

مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکوندی

ژانویه ۲۰۰۸ - فریمانت کالیفرنیا



داستان را که در کتاب سایه بی از گذشته هوشنگ مستوفی آمده، بطور کامل بخوانید بشرط آنکه این کتاب را در این دور غربتسرا پیدا کنید یا در ایران خودمان.

سلام به موج های نقره ای و کوچک یک دریا
در نشریه: دوچرخه ویژه نوجوانان چاپ تهران بتازگی این گزارش را خواندم حیف که دیر بدستم رسید خلاصه اش را



برایتان می نویسم حکایت نوجوانان وطن است. نام این گزارش: مدرسه در دست دخترهاست. تهمنیه حدادی در این گزارش دو صفحه ای می نویسد: مدت چهار سال است دختران مدرسه راهنمایی دولتی شهید پارسائیان واقع در بخش ده آموزش و پرورش تهران هر ساله بمدت دو روز کلیه امور مدرسه شامل امور مدیریت، نظامت و تأمین کادر آموزشی را خود بهعهده می گیرند و در این تجربه بزرگ با اعتماد بنفس و به نحوه شایسته ای شرکت می کنند امسال نیز این مدرسه با چهارصد شاگرد را بهمین شیوه اداره کردند. دلارام اسدی محصل دختر و چهارده ساله امسال مدیر مدرسه شد و سارا بهارلویی، الهام جعفری و مریم غرقی معاونان مدرسه بودند و پنجاه نفر از زبده ترین شاگردان نیز با آموزش و آمادگی قبلی بعنوان معلم به کلاس ها رفتند و تدریس کردند حتی برخی نیز امتحان هم گرفتند. سلام به معلمان عالم و مجرب این نخبگان، صبوران لحظه های مرارت تفهیم و درودی بر این نوجوانان سرفراز و پیشگام که بهتر مسئولیت هایی در فرادای خاک پرگهر ما می پذیرند. و سلام بر ایران.

بخت من زلف یار را ماند

بدست آورده ام دل را ز ایمانم چه میپرسی
همه تصویر معشوق است قرآنی که من دارم
از قضا آئینه چینی شکست

خوب شد اسباب خودبینی شکست
در بوسه دادن این همه استادگی چرا
آب از عقیق کم به مکیدن نمیشود.

قابل توجه خانم های شیک پوش

DRESSES FOR ALL LIFE'S SPECIAL MOMENTS!

TRUDYS
BRIDES | SPECIAL OCCASIONS

- ◆ The Best Designers
- ◆ Fabulous In-Stock Selection
- ◆ Excellent Personal Service
- ◆ More dresses to choose from

- ✓ SELECTION
- ✓ SIZES
- ✓ STYLE

134 The Pruneyard
Campbell CA 95008

408-377-1987

Open M-Th 10-8:30
Fi - Sat 10-6 • Sun 12-5



منطقه فضول آباد:

حسینعلی مکوندی - کالیفرنیا - فریمانت
ژانویه ۲۰۰۸ میلادی

توی زمین شوره سنبل در نیما!

صاف و پوست کنده می گم، خانه اولین جائیه که بچه ها در آن خیلی چیزا یاد می گیرند، چیزهای خوب بعضی وقتا هم چیزای نادرست و پرضرر اگه می خوانین همه چی دُرُس از آب در بیاد و بچه ها مثل چشمه زلال، و پرافتخار بار بیان در محیط خانه همه حرفا و کارای ما باید درست باشه کثری و ناراستی ببینند اونا یاد می گیرند. پدر و مادر خوب بودن به این سادگیها نیس و زحمت داره این فقط حرف من نیس حرف همه شما هم هس. حالا به این حرفای بچه ها بذارین کمی گوش کنیم.

معلیمی از شاگردش پرسید: **پدرت باهاات دعوا نمی کنه که هر روز به جنگ و دعوا راه می اندازی.** شاگرد: نه فقط میبرسه زدی یا خوردی.

چرا برادرت معتاده؟ از بابام و دائیم یاد گرفته.

کی اولین بار فهمید انشاءات خوبه؟ مامانم بعد تشویق کرد و مرتب بمن می گفت هرچی نوشتی برام بخون.

چطور شد مهندس شدی؟ دیپلم که گرفتم به روز تابستون بابام با مهربونی بمن گفت مهندسی خوبه یا

حمالی؟ من نمی دونستم مهندسی چیه اما چون تا یکی درست درس نمی خوندم مادر بزرگم با اوقات تلخی باو

می گفت بدبخت آخرش حمال میشی پس چون فهمیدم

حمالی خوب نیس در جواب بابام گفتم مهندسی. اونوقت

گفت حالا برو دنبال مهندسی، رفتم و مهندس شدم.

چرا دو تا غذا هم بلد نیستی درست کنی؟ از کی یاد

می گرفتم مامانم هم آشپزی بلند نبود.

کی تار یادت داد و تشویقت کرد یاد بگیری؟ دائیم

می خوای چکاره بشی؟ میخوام مثل مامانم جامعه شناس

بشم.

چرا میون این همه غذاها فقط بادمجون سرخ کرده دوس

داری؟ از بس ما توی خونه بادمجون سرخ کرده خوردیم.

چرا اینقدر بلند بلند می خندی؟ اینجور خندیدن ما

ارثیه.

چرا اینقدر چیز خنده دار می گیم تو نمی خندی؟ برای

اینکه ما هر وقت می خندیدیم بابامون باهامون دعوا

میکرد و می گفت من از آدم سبک خوشم نیما.

و اما تعریف حمال. در فرهنگ فارسی عمید در این باره

چنین آمده است. حمال یعنی باربردار. باربر، یا کسی

که بار بر پشت خود حمل می کند.

البته نه با ترجمه شمین باغچه بان بلکه با برگردان امیراسماعیلی که او نیز، در کارش مسلط بوده و روان ترجمه کرده است. من سالهای پیش این اثر را خوانده ام با ترجمه کی بیاد ندارم ولی این اثر را دوباره خواهم خواند چون به



آن دسترسی دارم و از این نظر خوشحالم.

تعریف سبک و نگاهی به سبک خراسانی

سبک در لغت به معنی گداختن و ریختن زر و سیم در قالب

و در اصطلاح ادبی عبارت از روش خاصی است که در

انتخاب الفاظ و ترکیب کلمات و شیوه تفسیر برای بیان

اندیشه ها بکار رفته است و اما سبک خراسانی این سبک

از آغاز قرن چهارم تا اواخر قرن ششم هجری قمری در کشور

ما رایج بوده است بدین جهت آنرا سبک خراسانی نام

نهادند که در ابتدا بیشتر گویندگان و نویسندگان از سرزمین

خراسان و ماوراءالنهر برخاستند و آثار خود را به این شیوه

بوجود آوردند و اما خصوصیات این سبک: اولاً سادگی و

بکاربردن لغات فارسی اما در مواردی که اصطلاحی دینی

یا سیاسی یا علمی پیش می آمد و در زبان فارسی لغتی

برای آن نبود یا واژه عربی فصیح تر بود و از واژگان عربی

بکار میرفت. ثانیاً: نثر این دوره از سادگی و بی پیرایگی

قابل توجهی برخوردار بود. ثالثاً: عیب نبودن تکرار چه در

نظم و چه در نثر خواه تکرار یک فعل باشد یا یک جمله

رابعاً: بکار بردن حرف اضافه برای تأکید خامساً: در شیوه

نگارش نویسندگان سبک خراسانی مترادفات وجود ندارد

بهمین دلیل جمله ها کوتاه است. و بالاخره بکار رفتن

مصدرها در معنی اصلی خود مانند مصدرهای گشتن،

گردیدن و شدن ...

خط را مردم خاور میانه اختراع کرده اند

می گویند تاریخ تمدن بشر از زمانی شروع شد که خط

اختراع گردید و پژوهندگان معتقدند خط در طول تاریخ سه

مرحله مهم داشته است الف - تصویرنگاری، ب -

دنباله مطلب در صفحه ۳۷

برسر مژگان یار من مزون انگشت

ادم عاقل به نیشتر نزند مشت

پرده هفت رنگ به درمگذار

تو که درخانه بوریا داری

امیدوار بود آدمی بخیر کسان

مرا به خیر توامید نیست شرمرسان

یارب این نودولتان را بر خر خودشان نشان

کاین همه نازاز غلام و ترک و استرمی کند.

برای راحت زندگی کردن انسان یک مقداری

حماقت و خوش باوری لازم است.

می روی و گریه می آید مرا

ساعتی بنشین که باران بگذرد.

جان زتن بردی و در جانی هنوز

دردها دادی و درمانی هنوز

آشکارا سینه ام بشکافتی

همچنان در سینه پنهانی هنوز

گیاه وحشی کوهم (ژاله اصفهانی)

ژاله اصفهانی متولد ۱۳۰۰ در اصفهان است بعد از پایان

تحصیلات ابتدائی و متوسطه در دانشکده ادبیات دانشگاه

تهران درس خواند در ۲۵ سالگی به همراه همسرش ناگزیر

به مهاجرت از ایران شد در نخستین بخش زندگیش در

مهاجرت دوره پنج ساله ادبیات را در باکو به پایان رسانید

و با آموختن زبان آذربایجانی بیش از هزار بیت از سروده

های سخنوران کلاسیک و معاصر آذربایجان را به شعر

فارسی برگردانید سپس در ۱۳۳۱ درجه دکترای ادبیات

در مسکو دریافت کرد آثار او از این قرار است. گل های

خوردو، مجموعه شعر ژاله زنده رود، اگر هزار قلم داشتم،



البرز بی شکست و کتاب ای باد شرطه. این شعر از اوست:

گیاه وحشی کوهم

*گیاه وحشی کوهم، نه لاله گلدان

مرا به بزم خوشی های خود سرانه مبر

به سردی خشن سنگ خو گرفته دلم

مرا به خانه میر،

زادگاه من کوه است ز زیر سنگی، یک روز سرزدم بیرون

به زیر سنگی، یک روز میشوم مدفون

سرشت سنگی من آشیان اندوه است

جدا زیار و دیارم دلم نمی خندد

زمن طراوت و شادی و رنگ و بوی مخواه

گیاه وحشی کوهم در انتظار بهار

مرا نوازش و گرمی به گریه می آرد

مرا به گریه میار... سال ۱۳۴۶

در آب مردن بهتر از کمک خواستن از قورباغه است

*مهم نیست گودال آب کوچکی باشی یا دریای

بیکران، زلال باش، آسمان در تست.

*اگر اینقدر قوی نیستی که ببازی، مطمئن باش

توانایی پیروزی هم نخواهی داشت.

*یک ترجمه خوب بوی ترجمه نمیدهد. ترجمه

غلط یک زبان را ویران می کند.

*احساس سوختن به تماشا نمیشود

آتش بگیر تا که بدانی چه می شود

*کعبه یک سنگ نشانیست که ره گم نشود

حاجی احرام دیگر بند ببین یار کجاست

*در آن زمان که رسی عاقبت به حد کمال

چونیک درنگری در کمال نقصانی.

*نویسندگان آگاه چراغند و به افق های روشن تر

می اندیشند ما بی چراغ راه را گم می کنیم.

اینچه ممد کتاب، عصیان در برابر ستم است.

*کتاب اینچه ممد اثر ماندگار نویسنده صاحب نام یاشار

کمال اولین بار در سال ۱۳۵۳ با نام «اینچه ممد» با ترجمه

بسیار روان و زیبای شمین باغچه بان، با تأیید یاشار کمال

در ایران ما بچاپ رسید و در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۷ و

۱۳۶۹ به چاپ های بعدی رسید از آن تاریخ تا امروز این

کتاب معتبر باز هم چاپ تازه خورده است اطلاع درستی

ندارم یقیناً این کتاب ارزش چاپ های مکرر دیگررا دارد

و بهرحال این کتاب حکایت عصیان یک انسان رنج دیده

طعم تلخ ستم چشیده در یک جامعه روستایی بی پناه است

که بالاخره زیر شلاق بیداد و به فریاد می آید، و غیرتمندانه

دست به انتقام میزند. آنچه این کتاب شناخته شده را

دلنشین و پرکشش و خواننده ایرانی را با قهرمانان این اثر

نزدیک و همدرد و یگانه میسازد شباهت عجیب فضای

این داستان و آدم های آن با فضای روستایی و زندگی

دهقانان درد کشیده و آشنا با ستم خود ماست که روزگاری

چنین گرفتار بوده اند.

کتاب اینچه ممد را در کتابخانه های کالیفرنیا هم دیده ام.